

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

DECISION

Case No. 967

Chamber Two

پرونده شماره ۹۶۷

شعبه دو

تصمیم شماره: ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی.ا.ئی.سی

دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحده

هارولد برنهام ،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	14 DEC 1965
	تاریخ ۱۳۴۴ / ۹ / ۲۲

تصمیم

فهرست مندرجات

<u>شماره بند</u>	<u>عنوان</u>
۱	پیشگفتار
۳	درخواست ایران
۵	درآمد مشمول مالیات
۷	محاسبه پیش پرداختهای مالیاتی
۹	مبانی حقوقی
۱۴	اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام
۲۱	درخواست ایران و پرونده رام
۲۲	نتیجه گیری در مورد محاسبه پیش پرداختهای مالیاتی
۲۳	نتیجه گیری در خصوص درخواست

پیشگفتار

۱ - در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۷۲ [ششم ژوئیه ۱۹۹۳] دیوان حکم شماره ۲-۹۶۷-۵۴۹ را در پرونده حاضر صادر کرد ("حکم"). طی بند ۱۴۹ حکم (به شرح اصلاحیه مورخ ۲۸ تیرماه ۱۹/۱۳۷۲ ژوئیه ۱۹۹۳) دیوان تصمیم گرفت که خواهان، هارولد برنهام، استحقاق دارد بابت سلب مالکیت از ۸/۶ درصد سهم‌الشرکه خود در یک مؤسسه مهندسی و معماری ایرانی، موسوم به عبدالعزیز فرمانفرمائی‌ان و شرکا ("آفا")، مبلغ ۷۱،۰۶۵،۶۷۳/- ریال (معادل ۱،۰۰۸،۳۸۱/- دلار) غرامت دریافت نماید.

۲ - دیوان با صدور حکم شماره ۲-۹۶۸-۵۶۵ مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۷۴ [هفتم ژوئیه ۱۹۹۵] در پرونده فریدون غفاری و جمهوری اسلامی ایران ادعای مطروح توسط یکی دیگر از شرکای آفا، به نام فریدون غفاری را که عیناً "سهم‌الشرکه‌ای به میزان ۸/۶ درصد در آن مؤسسه داشت، فیصله داد.

درخواست ایران

۳ - در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۷۴ [۳۱ اوت ۱۹۹۵] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران درخواستی نزد دیوان به ثبت رساند ("درخواست") و طی آن تقاضا کرد که دیوان براساس "اختیار ذاتی خود برای تجدیدنظر در احکام صادره"، حکم پرونده حاضر را مورد تجدیدنظر قرار دهد. نماینده رابط ایران در تأیید درخواست خود به تصمیم شماره ۱-۱۴۸-۱۱۸ مورخ هفتم دیماه ۱۳۷۲ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۳] صادره در پرونده رام اینترنشنال اینداستریز، اینک، و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران (از این بعد "رام" خوانده می‌شود) استناد نمود. به نظر نماینده رابط ایران، دیوان در پرونده رام "ضمن پذیرش اصولی تجدیدنظر در حکم، شرطی برای این پذیرش مقرر نمود":

از جهت تجدیدنظر [در حکم]، واقعیت جدید باید قاطع باشد به این معنی که هرگاه در کنار سایر واقعیات بررسی شده قبلی در پرونده قرار گیرد، موازنه و به تبع آن استنتاجات دیوان را جدا" بر هم زند. رام، بند ۲۰ (پانوشته حذف شده است).

۴ - منظور از درخواست تجدیدنظر در حکم عبارتست از: ۱ - محاسبه پیش‌پرداختهای مالیاتی آفا و ۲ - درآمد مشمول مالیات آفا. دیوان ابتدا به بخش دوم درخواست می‌پردازد.

درآمد مشمول مالیات

۵ - درخصوص درآمد مشمول مالیاتی که برای آفا محاسبه شده، نماینده رابط ایران بخشی از حکم صادره در پرونده غفاری را به شرح زیر نقل می‌نماید:

باتوجه به رویه مقامات مالیاتی، انصاف حکم می‌کند که مبلغ اضافی، یعنی ۲۵ درصد از ۵۰ درصد مالیات بر درآمد آفا نیز که به $۲,۷۸۷,۸۴۰/۰۰$ ریال بالغ می‌شود به کل بدهی مالیاتی آفا افزوده گردد.

بند ۹۸ حکم شماره ۲-۹۶۸-۵۶۵. نماینده رابط ایران استدلال می‌کند که این ملاحظات باید عیناً درمورد پرونده حاضر نیز اعمال شود و در نتیجه، دیوان مقرر نماید که بخش متناسبی از مبلغی که به نفع خواهان حکم داده شده به حساب امانی یا به ایران مسترد گردد.

۶ - درست است که استنتاج دیوان راجع به موضوع درآمد مشمول مالیات در پرونده غفاری با نتیجه‌گیری دیوان در پرونده برنیام تفاوت دارد. اما این نتیجه‌گیری متفاوت، از استدلالات و ادله جدیدی که خواننده در رسیدگی‌های بعدی تسلیم کرد حاصل گردید. استدلالات و ادله مزبور، که در پرونده برنیام ارائه نشده بود،

توضیحی است کافی بر اینکه چرا نتیجه‌گیری مربوط به موضوع در پرونده غفاری با نتیجه‌ای که قبلاً در پرونده برنیام حاصل شده بود یکسان نیست. براین اساس، دیوان در ارتباط با درآمد مشمول مالیات، لازم نمی‌داند که فرض وجود اشتباه و براساس آن، امکان تجدیدنظر در حکم را بررسی نماید. بدین لحاظ، دیوان نتیجه‌گیری می‌کند که درخواست خواننده در خصوص درآمد مشمول مالیات آفا محکوم به رد است.

محاسبه پیش‌پرداخت‌های مالیاتی

۷ - در مورد محاسبه پیش‌پرداخت‌های مالیاتی، نماینده رابط ایران بخشی از حکم صادره در پرونده غفاری را به شرح زیر نقل می‌کند:

در نتیجه، برای محاسبه ذخیره مالیاتی آفا در پرونده حاضر دیوان ۴ درصد دریافتی‌های آفا طی سال ۱۳۵۸ را منظور می‌کند، که بدین ترتیب مبلغ ۳،۰۵۱،۲۰۴/- ریال بر بدهی مالیاتی آفا افزوده می‌شود.

بند ۷۹ حکم شماره ۲-۹۶۸-۵۶۵. نماینده رابط ایران، براساس حکم مزبور، از دیوان درخواست می‌کند که در حکم پرونده حاضر نیز تعدیل مشابهی انجام داده و مقرر نماید که بخش متناسبی از مبلغی که به نفع خواهان حکم داده شده است به حساب امانی یا به ایران مسترد گردد.

۸ - در پرونده غفاری، با آنکه واقعیات پرونده مذکور با پرونده برنیام یکسان بود، دیوان در مورد محاسبه پیش‌پرداخت‌های مالیاتی به نتیجه متفاوتی رسید. هرچند که استدلال‌ات خواننده در پرونده غفاری به روشن شدن موضوع کمک کرد، اما نمی‌توان گفت که نتیجه‌گیری دیوان در پرونده غفاری از ادله جدید ناشی گردید. به عبارت دیگر، در پرونده غفاری تغییر یافته‌های دیوان درباره محاسبه پیش‌پرداخت‌های مالیاتی آفا در نتیجه ارائه مدارک جدید در آن پرونده نبود. لیکن دیوان پس از بررسی استدلال‌ات خواننده به این نتیجه رسید که تقاضای وی برای محاسبه‌ای متفاوت بعضاً موجه است.

مبانی حقوقی

۹ - در قواعد دیوان موارد بسیار محدودی برای تغییر احکام دیوان مقرر شده است.

۱۰ - مقررات ماده ۳۶ قواعد دیوان دایر بر تصحیح "هرگونه اشتباه محاسبه، غلطیهای انشایی و املایی یا اشتباهاتی از این دست" در احکام، به منزله تجدیدنظر در حکم به مفهوم تغییر یک تصمیم ماهوی نیست. تصحیح موردنظر در ماده ۳۶ صرفاً حذف آن چیزی است که از جنبه حقوقی بخشی از حکم را تشکیل نمی‌دهد، و صرفاً اعاده مندرجات صحیح حکم به همان صورتی که توسط دیوان اتخاذ شده می‌باشد. مهلتهای مقرر برای چنین عملی کاملاً محدود است: ۳۰ روز پس از دریافت حکم، در مورد درخواست تصحیح حکم توسط هریک از طرفین، و نیز ۳۰ روز پس از ابلاغ حکم، درحالی که دیوان را "سا" تصمیم به تصحیح حکم بگیرد.

۱۱ - تفسیر حکم طبق مواد ۳۵ قواعد دیوان و صدور "حکم تکمیلی درمورد آن دسته از دعاوی که در جریان داوری ارائه شده، لیکن در حکم ذکری از آنها به میان نیامده" طبق ماده ۳۷ قواعد دیوان، حسب تعریف، نه نشانگر تجدیدنظر در حکم بوده و نه تجدیدنظر محسوب می‌شود، هرچند که ممکن است صدور حکم تکمیلی را نوعی بسط و گسترش حکم اولیه تلقی نمود.

۱۲ - گذشته از مواد ۳۷-۳۵ قواعد دیوان، امکان تغییر احکام "قطعی و لازم‌الاجرا" نه در بیانیه‌های الجزایر و نه در قواعد دیوان پیش‌بینی نشده و در هیچیک از آنها نیز مقرراتی راجع به "تجدیدنظر" در چنین احکامی وجود ندارد. براین اساس، دیوان همواره با کوششهایی که برای تجدید استدلال در موضوعات فیصله یافته دیوان به عمل آمده مخالفت کرده است. برای مثال، بنگرید به بند ۶ تصمیم شماره ۲-۴۳۱-۱۰۴ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۷۱ [۱۶ ژوئن ۱۹۹۲] صادره در پرونده کالینز

سیستمز اینترنشنال، اینک، و نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، که طی آن دیوان نظر داد: "... تا آنجا که درخواست مزبور جنبه کوششی برای استدلال مجدد برخی از جنبه‌های پرونده و مخالفت با نتیجه‌گیریهای دیوان در حکم یا درخواست تجدیدنظر در حکم یا توضیح دلایل آن را داشته باشد، در قواعد دیوان یا جای دیگر مبنایی برای تجدیدنظر به استناد اینگونه دلایل وجود ندارد".

۱۳- همانطور که در بند ۳ بالا خاطر نشان شد، درخواست حاضر که اصطلاحات "بررسی مجدد"، "تجدیدنظر" و "تجدید رسیدگی" در آن به کار رفته، در هیچیک از مقررات قواعد دیوان محملی ندارد. استنباط دیوان این است که درخواست به ۱ - "اختیار ذاتی" ادعایی دیوان برای "تجدیدنظر" در احکام خود و خصوصا "بیشتر به ۲ - تصمیم دیوان در پرونده رام، استناد می‌نماید.

اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام

۱۴- نخست، در بررسی این موضوع کلی که آیا دیوان اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام خود را دارد یا خیر، باید گفت که ویژگی "قطعی و لازم‌الاجرا بودن" احکام به تنهایی لزوماً مانع تجدیدنظر نمی‌گردد، لیکن مسلماً هرگونه درخواست پژوهشی را ممنوع می‌سازد. هم نظامهای حقوقی داخلی و هم نظامهای حقوقی بین‌المللی وجود دارند که در عین حال که ویژگی قطعیت و لازم‌الاجرا بودن احکام را به رسمیت می‌شناسند، تجدیدنظر در آنها را منع نمی‌کنند.

۱۵- در جایی که تجدیدنظر در احکام مجاز دانسته شده باشد، موارد آن معمولاً در آئین دادرسی صریحی مقرر می‌شود. آراء^۶ دیوانهای بین‌المللی که نظر داده‌اند که یک دیوان بین‌المللی، در فقد چنین مقررات صریحی، می‌تواند از اختیار ذاتی خود در

شرایط فوق‌العاده، احکام خود را مورد تجدیدنظر قرار دهد (۱) نادر و استثنایی است. در موافقتنامه‌های دوجانبه عصر حاضر چندان جایی برای استنباط اختیارات تلویحی وجود ندارد، زیرا تنظیم کنندگان اینگونه موافقتنامه‌ها از تجربیات گذشته آگاهند. در عصر حاضر چنین انتظار می‌رود که دو کشوری که قصد دارند به دیوانی که براساس یک معاهده فیما بین تأسیس یافته، اجازه تجدیدنظر در احکام صادره بدهند، این اراده مشترک خود را صریحاً اعلام نمایند. قدر مسلم این است که ایران و ایالات متحده چنین اجازه‌ای را در بیانیه‌های الجزایر مقرر نداشته‌اند.

۱۶- دیوان پذیرفته است که اختیار ذاتی برای صدور برخی قرارهای موقت را دارد. برای مثال، بنگرید به: صفحه ۱۰ قرار موقت شماره ۳۸۸-۱۳ مورخ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۶۱ [چهارم فوریه ۱۹۸۳] هیئت عمومی دیوان در پرونده ئی - سیستمز، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 51, 57 Iran-U.S. C.T.R. 2، صفحات ۴-۵ قرار موقت شماره ۱-۱۵۵۹-۱۵ مورخ دهم اسفندماه ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده کوئستک اینکوریوریتد، و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 96, 98 Iran-U.S. C.T.R. 2 (۲). اما تجدیدنظر در یک حکم قطعی از مقوله متفاوتی است.

۱- برای مثال، بنگرید به: پرونده جرج مور علیه مکزیک (۲۶ ژوئیه ۱۸۷۱) (کمیسیون مختلط دعاوی ایالات متحده و مکزیک)، چاپ شده در 1357 (1898) J.B. Moore International Arbitration 2، Effects of Awards of Compensation made by the U.N. Administrative Tribunal (نظر مشورتی مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴) 47, 55 I.C.J. Reports 1954 و نظر قاضی رابرتس، سرداور، درباره درخواست تجدید استماع به سبب تقلب و تبانی در پرونده Lehigh Valley Railroad (United States) v. Germany ("The Sabotage Cases") (۱۵ دسامبر ۱۹۳۳) (کمیسیون مختلط دعاوی ایالات متحده و آلمان)، چاپ شده در 160 U.N. Reports of International Arbitral Awards 8.

۲- در پرونده‌های مزبور، دیوان نظر داد که رأی "دارای اقتدار ذاتی است که بنا به اقتضاء دستورهایی جهت حفظ حقوق طرفین و اطمینان از اعتبار و نفاذ صلاحیت و اختیارات خود، صادر نماید".

۱۷- در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، دیوان در بند ۱۷ حکم شماره ۱-۱۲۳-۲۹۰ مورخ نهم بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۷] خود، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 65, at 70 ، نظر داد:

جای بحث است که دیوان حتی در اوضاع و احوال استثنایی، اختیار داشته باشد که خارج از حیطه آن قواعد [یعنی مواد ۳۵-۳۷ قواعد دیوان] عمل نموده، حکمی را تجدیدنظر یا تصحیح کند.

در پرونده آمریکن بل اینترنشنال اینک ، و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، دیوان طی بند ۵ تصمیم شماره ۳-۴۸-۵۸ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۵ [۱۹ مارس ۱۹۸۷] چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 173, 174 ، چنین نظر داد:

طبق بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی، احکام دیوان "قطعی و لازم‌الاجرا" می‌باشند. به علاوه، طبق بند ۳ ماده ۳۳ قواعد دیوان "اجرای حکم برای طرفها الزامی است". تقاضای خواندگان برخلاف الزامات مذکور است زیرا نه درخواستی است برای تفسیر و نه تقاضایی است برای رفع اشتباه محاسبه به مفهوم مواد ۳۵ و ۳۶ قواعد دیوان بلکه درخواستی است برای تجدیدنظر در حکم دیوان و بنابراین پذیرفتنی نیست.

چنانکه ملاحظه شد، قطعیت و لازم‌الاجرا بودن یک حکم الزاماً مانع امکان تجدیدنظر در آن نمی‌شود. لیکن وجود قواعد صریح مبنی بر "قطعی و لازم‌الاجرا بودن" حکم و در کنار آن، سکوت طرفین متعاقدين راجع به امکان تجدیدنظر، این نتیجه‌گیری را دشوار می‌سازد که اصولاً اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام وجود دارد.

۱۸- دیوان در پرونده‌هایی، که همه آنها متضمن ادعای کلاهبرداری بوده‌اند، نظر داده است که شاید اختیار ذاتی برای بازگشایی پرونده‌ای را خارج از مقررات قواعد دیوان داشته باشد. بنگرید به: رام ، مذکور در بالا، صفحات ۱۵-۱۸ (فارسی) تصمیم شماره ۳-۵۴-۳۶ مورخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۳ آوریل ۱۹۸۵] در پرونده دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران

و دیگران ، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 107, 117-18 ، 8 ، بندهای ۲۱-۱۹ تصمیم شماره ۲-۲۷۷-۱۰۶ مورخ چهارم تیرماه ۱۳۷۱ [۲۵ ژوئن ۱۹۹۲] صادره در پرونده کلوریا جین شرافت و دیگران ، و جمهوری اسلامی ایران . در پرونده‌های مذکور، دیوان حق خود را راجع به اینکه اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در حکم دارد یا خیر، محفوظ نگه‌داشت، زیرا طرفین دعوی حتی من‌باب بحث نیز دلیل لازم برای استناد به اختیار ذاتی دیوان ارائه نکردند.

۱۹- در پرونده حاضر، خواننده در عین حال که به تصمیم صادره در پرونده رام استناد می‌کند، درخواستش مبتنی بر ادعای کلاهبرداری یا شهادت کذب نیست، بلکه اظهار می‌دارد که در پرونده غفاری ، "دیوان استدلالهای خواننده را مبنی بر اشتباه بودن" راعی پرونده برنجام تأیید نمود. دیوان این امکان را منتفی نمی‌داند که غیر از کلاهبرداری، احتمال دارد مبنا یا مبانی استثنایی و جدی مشابهی نیز شاید بتواند اساس درخواست تجدیدنظر در احکام دیوان قرار گیرد. در پرونده مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، دیوان در صفحه ۲ تصمیم شماره ۱-۱۴۹-۳۰ مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴] چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 74, 75 5 من‌باب مثال "مدارک جعلی یا شهادت دروغ" را ذکر کرد، که اینگونه اشاره، تلویحا" به معنی امکان استناد به سایر مبانی استثنایی است. اما صرف وجود اشتباه، به منزله چنین مبانی نیست.

۲۰- گرچه دیوان معتقد است که در فقد اوضاع و احوال استثنایی، مثلاً، ادعای کلاهبرداری یا شهادت کذب، نیازی ندارد که تصمیم گیرد آیا اختیار ذاتی یا تلویحی برای تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم‌الاجرای خود را دارد یا خیر، معهدا از جهت جامعیت بحث، به آن بخش از درخواست که مشخصاً به راعی پرونده رام اشاره دارد، نیز می‌پردازد.

درخواست خواننده و پرونده رام

۲۱- درخواست خواننده از تصمیم پرونده رام نتیجه‌ای به شرح زیر گرفته است:

هرگاه دیوان واقعیات خاصی را مبنای حکم قبلی خود قرار داده باشد، اما حین رسیدگی‌های بعدی در پرونده‌ای مشابه، همان واقعیات به طرز متفاوتی منتهی به کشف یافته‌های جدید و مبنای حکم متفاوتی قرار گیرد، تجدیدنظر در حکم قبلی ضرورت می‌یابد.

اما، دیوان معتقد است که نتیجه‌گیری فوق توجیهی در تصمیم پرونده رام ندارد. در تصمیم مذکور بحثی از "ضرورت" به میان نیامده، بلکه اذعان شده است که:

احتمالا" می‌توان نتیجه گرفت که دیوانی مانند دیوان حاضر... تلویحا" ... اختیار تجدیدنظر در تصمیماتی را دارد که با القاء تقلب صادر می‌شوند. (پانوشته حذف شده است.)

بند ۲۰ تصمیم پرونده رام. انتخاب عبارت "احتمالا" می‌توان"، بیشتر گواه بر حزم و احتیاط در برخورد با موضوع تجدیدنظر است. تصمیم مزبور در ادامه مطلب نتیجه‌گیری می‌کند که:

از لحاظ پرونده حاضر نیازی نیست که این مسأله پیگیری و مورد تصمیم واقع شود.

همان مآخذ.

نتیجه‌گیری در مورد محاسبه پیش‌پرداختهای مالیاتی

۲۲- دیوان پس از بررسی موضوع به این نتیجه می‌رسد که اشتباه ادعایی در پرونده برنیام راجع به محاسبه پیش‌پرداختهای مالیاتی آقا از نوعی نیست که با ضوابط مقرر در پرونده رام تطبیق نماید. قطع نظر از فقد هرگونه ادعای کلاهبرداری یا شهادت کذب، اشتباه مورد ادعا به هیچوجه "تعیین کننده" نبوده و "موازنه" حکم آن پرونده

را "جدا" بر هم نمی‌زند". بنگرید به: بند ۲۰ حکم پرونده رام ، مذکور در بالا. در نتیجه، در پرونده حاضر، دیوان نیازی به اخذ تصمیم راجع به این موضوع ندارد که آیا اختیار تجدیدنظر یا تصحیح حکمی را دارد یا خیر.

نتیجه‌گیری در خصوص درخواست

۲۳- بنا به ملاحظات مذکور در بالا، تصمیم دیوان اینست که مبنای حقوقی برای اعمال تغییرات مورد درخواست وجود ندارد.

۲۴- بنا به دلایل مزبور:

دیوان به شرح زیر تصمیم می‌گیرد:

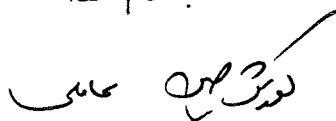
درخواستی که نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۷۴ [۳۱ اوت ۱۹۹۵] از طرف خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران به دیوان تسلیم نموده، رد می‌شود.

لاسه، به تاریخ ۹/۲۳ / ۱۳۷۴ برابر با ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵




کریستوف اسکوییشفسکی
رئیس شعبه دو

به نام خدا



کورش حسین عاملی
موافق با نتیجه



جرج اچ. آلدریچ